
جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)



در نگاه امام شهید کلید پیشرفت در دست سینماگران است

بازخوانی بایدها و نبایدهای سینمای ایرانی- اسلامی در بیانات امام شهید آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای؛ از ممنوعیت فیلمِ بی‌پیام تا مطالبه کیفیت جهانی

محمد محمدی افران

عصرِ بیست‌وسوم خرداد ۱۳۸۵، شانزده کارگردان سینما و تلویزیون- از مسعود جعفری‌جوزانی و تهمینه میلانی تا مجید مجیدی و ابراهیم حاتمی‌کیا- در دیداری سه‌ساعته، دغدغه‌های صنفی، ساختاری و محتوایی خود را یک‌به‌یک مطرح کردند؛ جلسه‌ای که بی‌سابقه وجود داشت و در آن، اختلاف‌نظر گاه تند میان کارگردانان بود که نشانه فضائی چندصدایی تلقی می‌شد. جمع‌بندیِ امام شهید از آن نشست، جمله‌ای است که شاید بتوانِ آن را کانون نگاه ایشان به سینما دانست: «من می‌گویم امروز کلید پیشرفت این کشور، به میزان زیادی دست شماست». کلید بودن، هم اعتبار است و هم مسئولیت؛ و همین دوگانه، سراسر سی‌وهفت سال بیانات ایشان درباره سینما را دربر می‌گیرد از دیدار هنرمندان حوزه هنری در پاییز ۱۳۶۸ تا سال‌های پایانی زندگی‌شان.

آرشیوی برای بازخوانی یک میراث

شهید آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، در جنگ رمضان با حمله وحشیانه آمریکا و اسرائیل به شهادت رسیدند؛ سینما اما در طی سی‌وهفت سال رهبری انقلاب اسلامی در گفتمان فرهنگی ایشان، حضوری پیوسته و پرتکرار داشت. امام شهید در این سال‌ها مجموعه‌ای کم‌نظیر از گفت‌وگوی مستقیم با اهل سینما را تجربه کردند: از دیدار مدیران، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در آبان ۱۳۶۸ و دیدار هنرمندان و سینماگران در بهمن ۱۳۷۳، تا دیدار سه‌ساعته کارگردانان در خرداد ۱۳۸۵، دیدار کارگردان و هنرمندان سریال «یوسف پیامبر» در آذر ۱۳۸۸، دیدار عوامل فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» در خرداد ۱۳۹۳ و پاسخ کتبی به گلایه برنامه‌سازان صداوسیما در آبان ۱۳۹۷ و چندین جلسه، نامه‌نگاری و گفت‌وگوی ایشان در حوزه سینما.

بازخوانی این مجموعه بیانات، نگاه جدی ایشان را در رابطه با سینما آشکار می‌نماید. او هرگز سینما را رسانه‌ای حاشیه‌ای یا ابزاری پیش‌پا افتاده ندانستند؛ جایگاه آن را برتر از سایر بیان‌های هنری شمردند و سرمایه‌گذاری روی آن را جزو ضرورت‌های ملی معرفی کردند.

رساترین بیان؛ جایگاهی که سینما در این اندیشه دارد

در دیدار بهمن ۱۳۷۳ با هنرمندان و سینماگران، ایشان خوانش خود از جایگاه این رسانه را صورت‌بندی کردند. به تعبیر ایشان، بیان فیلم و سینما و هنرهای نمایشی، از دیگر بیان‌ها رساتر است و قدرت تبیین بیشتری دارد؛ و چنین وسیله رسایی باید حامل بهترین ارزش‌ها و بهترین مباحث باشد، از جمله مباحث دینی. دوازده سال بعد، در دیدار خرداد ۱۳۸۵ با کارگردانان، همین نظریه با صراحت بیشتری تکرار کردند:

«هنر سینما-همان‌طور که گفتید-بلاشک یک هنر برتر است؛ یک روایتگر کاملاً مسلط- که هیچ روایتگری تاکنون در بین این شیوه‌های هنریِ روایت یک واقعیت و یک حقیقت، تا امروز به این کارآمدی نیامده- و یک هنر پیچیده و پیشرفته و متعالی.»

- بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۲۳ خرداد ۱۳۸۵

در این جمله، وصف «متعالی» به خودِ هنر سینما اطلاق می‌شود، نه به محتوای خاصی از آن؛ نکته‌ای که در بحث پایانی گزارش به آن بازخواهیم گشت. اهمیت این توصیف در آن است که مسئله را از محورِ «سینمای مجاز یا غیرمجاز» به محورِ «سینمای ناتمام یا کامل» منتقل می‌کند: خطر، دوریِ از سینما نیست؛ بهره‌برداری ناقص از آن است.

در آذر ۱۳۹۲، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور رئیس‌جمهور و رؤسای سه قوه، همین اثرگذاری را مطرح کردند:

«سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانه فوق‌العاده‌ای است، یعنی واقعاً الان هیچ‌چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری؛ روی این زمینه کار بکنید؛ کارهای ابتکاری بکنید.»

- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۱۳۹۲

این سه گزاره، سه لایه یک نظریه‌اند. لایه نخست، شأن‌شناسی است: سینما رساترین بیان شناخته‌شده است. لایه دوم، جهت‌دهی است: رسایی، ارزش خنثی نیست و اگر حامل بهترین مفاهیم نشود، حامل بدترین آنها خواهد شد. لایه سوم، سیاست‌گذاری است: چون هیچ رسانه‌ای هم‌پایه سینما اثر نمی‌گذارد، به حاشیه راندن آن یا واگذاری آن به رقیب، هر دو، انتخابی تاریخی‌اند، نه بدیلی فنی. به همین منطق، ایشان در دیدار با گروه تلویزیونی «شاهد» در اردیبهشت ۱۳۷۱، هم عمق و هم گسترش انقلاب اسلامی را کاری می‌دانستند که فقط از مجرای هنر ممکن است و در واقع جایگاهی فراتر از پشتیبانی می‌تراشند و آن را زیرساخت بقا و نفوذ یک گفتمان فرهنگی می‌شمرند.

نسل؛ امید به‌مثابه تکلیف

اگر بخواهیم مجموعه انتظارات امام شهید از سینما را خلاصه کنیم، جمله دیدار ۱۳۸۵ است:

«من می‌گویم امروز کلید پیشرفت این کشور، به میزان زیادی دست شماست؛ شما می‌توانید این نسل را یک نسل پیشرونده، امیدوار، پُرشوق، معتقد به خود و معتقد به ارزش‌های اسلامی و ملیِ خود بار بیاورید؛ و همین‌طور می‌توانید این نسل را شرمنده، پشیمان، زیر سؤال برنده افتخارات گذشته و زیر سؤال برنده افتخار انقلاب و دفاع مقدس بار بیاورید.»

- بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۲۳ خرداد ۱۳۸۵

دوگانه نسل‌سازی در همین یک جمله کامل است: سینما در این چارچوب، معمار یا ویرانگر انگیزه‌های ملی. به همین دلیل، امید در این نگاه یک صفت تبلیغاتی نیست؛ زیرساخت سرمایه اجتماعی است و ساختن یا فروریختن آن، دست روایتگران است.

این اصل، بارها و به شکل‌های مختلف تکرار شده است. در دیدار بهمن ۱۳۷۳، «شاداب نگه داشتن» ملتِ درگیر مبارزه را از بالاترین ارزش‌های کار سینما می‌شمرند و می‌پرسیدند چه چیزی از این عزیزتر و والاتر است. در آبان ۱۳۸۱، در دیدار مسئولان صداوسیما، مطرح‌کردن حرف‌های مأیوس‌کننده‌ای را که به‌راحتی در ذهن مردم شمول پیدا می‌کنند، برای تلویزیون مجاز ندانستند؛ نه به این دلیل که مشکلات وجود ندارند؛ به این دلیل که تعمیم‌دادن مشکلِ موضعی، تصویری غیرواقعی از کل جامعه می‌سازد. و در تیر ۱۳۸۹، در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما جلسه‌ای که دیدار ایشان با حدود سیصدوپنجاه فیلم‌ساز و برنامه‌ساز بود این اصل را به یک قاعده روایی دقیق تبدیل کردند:

«شما وقتی زشتی را نشان می‌دهید، اما آن عامل خیری را که بناست بر زشتی غلبه پیدا کند یا با آن مبارزه کند، نشان نمی‌دهید، در جامعه یأس پراکنده می‌شود و نومیدی به وجود می‌آید؛ فیلم شما را که طرف نگاه می‌کند، می‌گوید: خوب، چه فایده؟»

- بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما، ۱۲ تیر ۱۳۸۹، طبقه دوم حسینیه امام خمینی(ره)

نکته ظریف این است که ایشان نمایشِ زشتی را ممنوع نکرد؛ آنچه ممنوع است، نمایشِ زشتی بدون نیرویی است که بر آن غلبه می‌کند. این قاعده، نسبت میان روایتِ صادقانه درد و سیاه‌نمایی را بیان می‌کنند.

انسان، پیش از هنرمند

در اردیبهشت ۱۳۸۰، در دیدار «جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر» مفصل‌ترین گفت‌وگوی امام شهید با جامعه هنری بنیان اخلاقی نگاهشان به هنر را صورت‌بندی کردند. هنر در تعریف ایشان موهبتی الهی است و کسی که این موهبت به او داده شده، طبیعتاً بار مسئولیتی هم بر دوش دارد؛ داده‌های خدا همراه با تکلیف‌اند. سپس برای آن سلسله‌مراتبی را نیز بنا کردند:

«بالاخره یک هنرمند قبل از این‌که یک هنرمند باشد، یک انسان است. انسان که نمی‌تواند مسئول نباشد.»

- بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱ مرداد ۱۳۸۰

این جمله، جمله‌ای عام است، اما در همان سال‌ها به یک مسئله پاسخ می‌داد: دعوای «هنرِ برتر با اخلاقِ سست». سه سال پیش از آن، در دیدارِ هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور در تیر ۱۳۷۳، ایشان فرموده بودند که نمی‌فهمند چرا جوانی که در میدان در برابر دشمن ایستاده و نظام جهان‌سازِ رقیب را به محاکمه کشیده، باید در برابر کسی احساسِ مرعوبیت کند که شاید هنرش برتر است، اما شخصیت انسانی‌اش یک‌صدم آن نیست. در همان جمع، اهل‌بودن یا نبودنِ فحشا و شراب و فساد جنسی و دروغ را یکی از ارزش‌های اسلامی می‌شمردند که در سنجش همراهی هنرمندان با انقلاب، سنگ‌تمام می‌گذارد. ایشان با یادکردن از جمله‌ای منسوب به رومن رولان درباره سهم هنر و اخلاق در اثر هنری، هرگونه سهم‌بندی تعدیل‌گرانه را نپذیرفتند و هنر و اخلاق را جدایی‌ناپذیر دانستند؛ تعهد را هم فقط در جایی معتبر می‌دانستند که در کیفیت کار تجلی یابد.

جهت این بحث، برخلاف تصور رایج، دفاع از سخت‌گیری بر هنرمند نیست؛ صیانت از حیثیت هنر است. در آبان ۱۳۶۸، در دیدار هنرمندان حوزه هنری، ایشان فرمودند که بستنِ تذبذب‌ها و انحراف‌های شخصی به پای هنر، «اهانت به هنر» است؛ هنرمند به‌خاطر ظرافت و لطافت روحش، حقیقت را بهتر می‌فهمد و باید پایبندتر بماند، نه اینکه لطافتش را بهانه بی‌ثباتی کند. در این چارچوب، اخلاقِ فردی و اوج هنری دو بالِ یک امرند و سقوط هر کدام، پرواز را متوقف می‌کند.

تعهد بی‌شعار؛ هنر دینی بدون واژگان دینی

«هنر دینی به‌هیچ‌وجه به معنای قشری‌گری و تظاهر ریاکارانه دینی نیست و این هنر لزوماً با واژگان دینی به وجود نمی‌آید. ای بسا هنری صددرصد دینی باشد، اما در آن از واژگان عرفی و غیردینی استفاده شده باشد.»

- بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱ مرداد ۱۳۸۰

ایشان در همان گفت‌وگو، هنر دینی را هنری تعریف می‌کنند که عدالت را در جامعه به‌عنوان ارزش معرفی کند، حتی اگر هیچ اسمی از دین، هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در آن نیامده باشد. ملاک، اثر است، نماد نیست؛ برخاستنِ اثر از معارف است، نه برچسب خوردن آن. این تعریف، دو نکته را در بر دارد: یکی آنکه هنر متعهد حاشیه‌ای و بی‌جاذبه نیست، و دیگری آنکه حضور دین در سینما فقط با نمادهای آشنا نیست.

پنج سال بعد، در دیدار کارگردانان، همین منطق را به زبان پاداش‌شناسی فرمودند:

«اجر فقط این نیست که شما فیلم نماز و روزه درست کنید؛ نه، آن چیزی که اخلاق جوان‌ها، رفتارهای اجتماعی، انضباط اجتماعی، جدیت در کار، ایمان قوی و احساس مسئولیت را در نسل‌های جوان زنده می‌کند، این پیش خدا اجر دارد.»

- بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۲۳ خرداد ۱۳۸۵

در واقع یک «فیلم دینی» کاملاً می‌تواند یک اثر اخلاقی اجتماعی باشد؛ فیلمی بدون حتی یک صحنه عبادی می‌تواند در این حساب، سنگین‌وزن‌ترین اثر باشد. اما این گشایش، بی‌حصار نیست. در همان دیدار ۱۳۸۰، چهارگانه‌ای را ترسیم کردند که هنر دینی نباید در خدمت آن قرار گیرد:

«آن چیزی که در هنر دینی به‌شدت مورد توجه است، این است که این هنر در خدمت شهوت و خشونت و ابتذال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار نگیرد.»

- بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱ مرداد ۱۳۸۰

شهوت، خشونت، ابتذال و استحاله هویت؛ چهار خط قرمزی که در بیانات امام شهید بارها با مثال‌های عملی باز شده است: از انتقاد تیر ۱۳۸۹ به برخی ارتباطات عشقی دختر و پسر در فیلم‌ها که آن را بدآموز می‌دانستند، تا نقد آبان ۱۳۸۱ به تولید فیلم و آهنگی که جوان را به کامجویی تحریض می‌کند. نمونه اجرائی این نظریه را هم خود ایشان در آذر ۱۳۸۸ معرفی کردند: سریال «یوسف پیامبر» که به گفته رئیس وقت صداوسیما بالای هشتادوپنج درصد مخاطب داشت و به تعبیر ایشان، برخلاف قاعده رایج جهانِ سینما که جذابیت را در جاذبه‌های جنسی می‌جوید، محور داستانش عصمت و پاکدامنی بود. درس این تجربه در منطق ایشان روشن است: اخلاق، مخاطب را نمی‌راناند؛ مخاطب تشنه آن است، البته اگر به زبان درست روایت شود.

مطالبه کیفیت؛ نه سینمای درجه‌سه، نه فیلمِ بی‌پیام

شاید کمتر کسی در جمع کارگردانان، به همان سادگی و بی‌پیرایگی که ایشان در بهمن ۱۳۷۳ فرمودند، وضعیت سینمای کشور را ارزیابی کرده باشد:

«چرا ما باید از لحاظ سینما و کارهای مربوط به هنرهای نمایشی، یک جامعه درجه سه باشیم؟ که متأسفانه در مجموع این‌جور است.»

- بیانات در دیدار هنرمندان و سینماگران، ۳ بهمن ۱۳۷۳

ایشان در همان دیدار، عقب‌ماندگی را سه‌لایه توصیف کردند: عقب‌ماندگی در تولید، عقب‌ماندگی عمیق‌تر در کیفیت، و عقب‌ماندگی در تهیه مایه‌های فیلم و فیلم‌نامه‌های خوب. همچنین پیامد فرهنگی آن را هم نام بردند: وقتی فیلم خوب داخلی کم است، ذهن مردم برای تماشای فیلم خوب، به فیلم خارجی می‌رود و بازار ذائقه به بیرون واگذار می‌شود. این تشخیص، از سرِ اطلاع بود و سابقه داشت: در مهر ۱۳۷۰، در جمع نویسندگان مسلمان، از یک سریال تلویزیونی روز نام بردند که بازی‌های خوب و فضاسازی‌های خوب داشت، اما فیلم‌نامه‌اش به تعبیر ایشان دروغ و بی‌معنا بود و در نهایت «بیمزه» تمام می‌شد؛ در همان جمع، یاد سریالی خارجی افتادند که حتی امام خمینی مرتب تماشایش می‌کردند و رازِ جاذبه‌اش را نه در هزینه‌های تولید، که در تطابق دقیق روایت با واقعیتِ زندگیِ شخصیت‌هایش می‌دانستند. و در دی‌ماه همان سال، در دیدار مدیران شبکه دوم سیما، از وجود هنرپیشه‌های خوب و کارگردان‌های خوب و صحنه‌آرایی‌های خوب گفتند و مضمون‌ها را «پوک» می‌خواندند؛ تشخیصی که گلوگاه صنعت را در فیلم‌نامه نشان می‌داد و در تمام سال‌های بعد هم تکرار کردند از شکایت مرداد ۱۳۶۹ از فیلم‌های کم‌مایه تلویزیونی گرفته تا ستایش خرداد ۱۳۹۳ از «پیچ داستانیِ» فیلم «شیار ۱۴۳» که به قول ایشان، کمبود اساسیِ فیلم‌های ایرانی یعنی نداشتن داستان خوب و پرکشش را جبران کرده بود.

این مطالبه کیفیت، در بیانات امام شهید هم ضابطه دارد و هم ضمانت. ضابطه‌اش در دیدار مرداد ۱۳۸۰ روشن است:

«کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است.»

- بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر، ۱ مرداد ۱۳۸۰

به این تعریف، تنبلی و بی‌تلاشی هنری هم خیانت به مسئولیت قالب هنر شمرده می‌شود؛ تعالی‌خواهی، اولین شکل تعهد است. ضمانت‌اش هم در دی‌ماه ۱۳۶۹ مطرح شد، سخنان ایشان درباره اثر بی‌خاصیت:

«فیلم خنثای بی‌اثرِ بی‌محتوای بدون پیام، مطلقاً پخش نکنید.»

- بیانات در دیدار رئیس و جمعی از مدیران سازمان صداوسیما، ۷ مرداد ۱۳۶۹

ایشان در همان نشست حتی گزینه «ساعتِ تعطیل» را مطرح کردند: اگر برنامه مناسب نیست، صادقانه بگویید که این ساعت تعطیل است؛ سکوتِ صادقانه از فیلمِ خنثا پُرجاذبه‌تر و منصفانه‌تر است. در بهمن ۱۳۷۷ هم، در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ارزیابی خودانتقادگرانه‌ای ارائه دادند: اگر امروز را با پیش از انقلاب بسنجیم، وضع خوب است و برجستگی داریم؛ اما اگر با آنچه باید باشیم بسنجیم، عقبیم. در واقع تقدیر از مسیر اما قناعت نکردن به آن.

مرزهای نقد؛ از «نق زدن» تا سیاه‌نمایی

پرسشی که در هر گفت‌وگویی درباره سینما مطرح است، حدِ انتقاد است. پاسخ ایشان در تیر ۱۳۸۹، در جمع فیلم‌سازان مجموعه‌های نمایشی صداوسیما، صورت‌بندی‌های این مرز است:

«یک فرق اساسی وجود دارد بین انتقاد کردن و نق زدن. انتقاد کردن این است که شما یک نقطه منفی را پیدا کنید، با تکیه بر نقطه مثبتی که در این اثر نمایشی شما، در این داستان شما وجود دارد، آن نقطه منفی را نشان بدهید و مغلوب کنید.»

- بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما، ۱۲ تیر ۱۳۸۹، طبقه دوم حسینیه امام خمینی(ره)

در خرداد ۱۳۸۵ هم، در پاسخ به گلایه کارگردانان از فشار انتقادها، همین تمایز را با تعبیری دیگر تکرار کردند: انتقادی ممدوح است که هدفش دلسوزی و تکمیل و آیینه‌وار نشان‌دادن عیب به خود صاحب عیب باشد؛ تلخیِ چنین نقدهایی، تلخیِ گواراست. اما نق‌نقوگری جست‌وجوی نقطه‌ضعف، واقعی یا حتی پنداری کار دیگری است. ایشان در مهر ۱۳۷۹، در دیدار فعالان فرهنگی دفاع مقدس، از برخی آثار می‌گفتند که عظمت را نمی‌بینند؛ می‌گردند یک نقطه‌ضعف واقعی یا حتی پنداری پیدا می‌کنند و آن را مورد مداقه قرار می‌دهند؛ و تأکید کردند که هدف از این کارها چیست؟ برای فهم این تفاوت، استعاره‌ای که در تیر ۱۳۷۳ به کار بردند: ماشینی که در گردنه نفس‌گیر بالا می‌رود را نباید سنگ بزنیم؛ باید هلش داد. انتقاد در این زبان، هل‌دادن است؛ سنگ‌زدن، نه.

نقد درست، درون روایتِ غلبه خیر صورت می‌گیرد؛ نقدِ ناروا، روایت را به خودیِ خودِ یأس تبدیل می‌کند. به همین دلیل است که در بیانات ایشان، دفاع از سینمای انتقادی و هشدار به سیاه‌نمایی، هر دو، کنار هم می‌آیند و هیچ تعارضی میان‌شان دیده نمی‌شود.

غرب، هالیوود و جنگِ ذائقه

هشدارهای امام شهید درباره سینمای غربی، هرگز به شکل ممنوعیت کلیِ تماشا یا تکنیک صورت نگرفته است؛ هسته بحث همیشه «ذائقه» بوده است. در تیر ۱۳۷۳، به هنرمندان توصیه کردند که در فکر تصرف مخاطب جبهه مقابل با ذائقه خودِ آن جبهه نباشند؛ زیرا این وسوسه، به تقلید می‌انجامد:

«اگر او با خوراندن یک خوراک دارد ذائقه جدیدی برای مردم کشور خلق می‌کند، سعی نکنیم که حتماً ما هم تَبَع همان ذائقه‌ای باشیم که او دارد خلق می‌کند؛ نه، ما یک ذائقه دیگری خلق کنیم؛ همان که مطابق فکر ما است، مطابق ایمان و عقیده‌ی ما است.»

- بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۲۲ تیر ۱۳۷۳

در این نظریه، تقلید در سطح ذائقه، تسلیمِ نرم در سطح فرهنگ است؛ و ذائقه‌سازی، خود یک عِملیات است. نگاه ایشان به هالیوود بر همین مبناست: در آذر ۱۳۸۸، در دیدار عوامل سریال «یوسف پیامبر»، صنعت سینمای امروز را صنعتی به‌ظاهر هنری ولی در باطن سیاسی خواندند و بسیاری از مؤسسات سینمایی هالیوود را مظهر اراده سیاسی دستگاهی منسجم پشت صحنه سیاست آمریکا دانستند. در تیر ۱۳۸۹، در دیدار هنرمندان صداوسیما، تصویر را جهانی کردند: آنتن‌های کشورهای مختلف را چند کشور معدود اداره می‌کنند، عمدتاً آمریکا و هالیوود. و در آذر ۱۳۹۲، سازوکار این سلطه را با مثالی توضیح دادند:

«مرد عنکبوتی را بچه ما می‌شناسد، بتمن را بچه ما می‌شناسد. ده بیست فیلم درست کرده‌اند، این فیلم را آنجا دیده، بعد که می‌بیند همان عروسکی که در فیلم داشت کار می‌کرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این پیوست فرهنگی [است].»

- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۱۳۹۲

قدرت هالیوود در نگاه ایشان، در جعبه‌جادو نیست؛ در زنجیره است: فیلم، شخصیت، کالا، بازار زنجیره‌ای که آن «پیوست فرهنگی» نامیدند و شکست محصولات فرهنگی داخلی را، از جمله یک عروسک ایرانیِ بدون فیلم، به نبودِ همین زنجیره نسبت می‌دادند. در برابر این قدرت، جوایز بین‌المللی هم در همان منطق است. در بهمن ۱۳۷۳ فرمودند:

«به‌هیچ‌وجه بنده دلم را خوش نمی‌کنم به اینکه در فلان مجمع جهانی فیلم، به فلان فیلم ما یک جایزه‌ای دادند؛ اینها چیزی نیست؛ اینها در مواردی حتی با انگیزه‌های سیاسی هم همراه است.»

- بیانات در دیدار هنرمندان و سینماگران، ۳ بهمن ۱۳۷۳

اما این جبهه‌گیری انکار هنر غربی نیست؛ خود ایشان این خطر را بسته‌اند. در بهمن ۱۳۷۷، در پاسخ به جوانی درباره تهاجم فرهنگی، فرمودند که فرهنگ غرب مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست و ملتِ عاقل، خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خود می‌افزاید و بدی‌ها را رد می‌کند؛ عیب ممتاز آن فرهنگ، سلطه‌طلبی و تحمیل است، نه خارجی بودنش. در آذر ۱۳۹۲ هم از فیلمی تعریف کردند که از لحاظ اصول و



خوش‌ساختی، شبیه فیلم‌های خوب هالیوود بود (نام فیلم را ذکر نکردند)؛ یعنی فنِ بیگانه، برای روایتِ بومی، مجاز است و مطلوب. حتی در خرداد ۱۳۹۳، در مقایسه با سریال‌های کره‌ای که برای ساختن هویت به افسانه متوسل می‌شوند، فرمودند ایران به اسطوره‌سازی نیاز ندارد، چون واقعیت دارد؛ برای روایتِ ملی، ماده خامِ بهتر از افسانه در اختیار داریم.

آزادی هنرمند و مسئول نهاد

یکی از نخستین موضوعاتی که در دیدار خرداد ۱۳۸۵ مطرح شد، دغدغه برخی کارگردانان از احساس ناامنی بود. پاسخ امام شهید اما بی‌تعارف بود: جایی برای این دغدغه نمی‌بینند؛ ممکن است نسبت به برخی فیلم‌ها معترض باشند، اما آماج قراردادن کارگردانان در این ناامنی، واقعیتی نابحق و نابجاست. ایشان در همان نشست، بار مسئولیت را هم یک‌طرفه ندانستند و فرمودند که نهادهای مدیریت فرهنگی، از جمله حوزه علمیه و وزارت ارشاد، در انتقال معرفت و معارف به فیلم‌سازان کم‌کاری کرده‌اند؛ نقدِ مدیریتِ دولتیِ فرهنگ، از زبان خودِ ایشان بود.

در خرداد ۱۳۹۳، پس از نمایش فیلم «شیار ۱۴۳» اثری که پیش از آن به «ضدجنگ» و حتی «ضدارزش» برچسب خورده بود ایشان در دیدار عوامل فیلم، ارزیابی لایه‌به‌لایه‌ای از کیفیت آن ارائه دادند؛ داستان و پیچ داستانی، کارگردانی، بازی نقش اول؛ و سپس به مناقشه سلیقه‌ای پیرامون فیلم پایان داد:

«من تعجب می‌کنم چطور ممکن است کسی تصور کند که فیلم «شیار ۱۴۳» ضد ارزش یا ضد دفاع مقدس است؛ من نمیفهمم از کجای فیلم، این در می‌آید.»

- بیانات در دیدار عوامل تولید فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳»، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳

در آبان ۱۳۹۷ هم، در پاسخ کتبی به گلایه برنامه‌سازان صداوسیما که می‌گفتند جرئت شوخی در فیلم‌ها را ندارند، نظرشان را در باب طنز چنین فرمودند:

«نه، عقیده من این است که شوخی کنید، منتها شوخیِ مؤدبانه بکنید؛ یعنی باید شوخی مؤدبانه باشد، خلافِ حق نباشد، هتک در آن نباشد؛ اما شوخی باشد، عیب ندارد، خیلی خوب است.»

- گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما، ۲۴ آبان ۱۳۹۷

ایشان در همان پاسخ، از نمونه فیلم کمدی‌ای یاد کردند که یک نهاد به آن اعتراض کرده بود و به آن نهاد گفته بودند بیخود اعتراض می‌کنید؛ و به علما پیشنهاد داده بودند به‌جای اعتراض به طنزی که سوءاستفاده از لباس روحانیت را نشان می‌داد، استقبال کنند (فیلم مارمولک). در ادامه، حمایت مدیریتی را هم به رسمیت شناختند: ابتکار و کار نو، بدون حمایت معنوی و مادی مدیران، پیش نمی‌رود. جنس این مجموعه، یک قرارداد دوسویه است: خط قرمزها عمدتاً اخلاقی و هویتی‌اند فضیلت‌سوزی، هتک، استحاله هویت نه هر انتقاد سیاسی یا شوخی ناخوشایند قدرت؛ و در برابر، نهاد موظف به حمایت است، نه صرفاً کنترل. در اردیبهشت ۱۳۸۰ هم صریح فرمودند که بحث، سانسور نیست؛ این است که به ذهن و دل جوان چیزی داده نشود که او را به گناه می‌لغزاند. تحلیل آن است که در این چارچوب، آزادیِ هنری نه بی‌تعهدی است و نه رحمتِ دولتی؛ مسئولیتی است که به اهلش سپرده می‌شود، با ضمانت اجرای حمایت و در صورت خطای آشکار، اخذبه‌قول، نه بر پایه سلیقه، که بر پایه همان مرزهای اخلاقی که خود هنرمند نیز پذیرفته است.

«سینمای متعالی»؛ از یک وصف تا یک مفهوم

اگر بخواهیم این مفهوم را از دل متن‌ها بیرون بکشیم، شش ضلع دارد. نخست، رفعت فنی: سینمای درجه‌سه، به هر محتوایی که باشد، در این چارچوب ناتمام است؛ «اکتفا به سطح پایین» خود نقض تعهد است. دوم، حقیقت‌ورزی: اثر باید مطابق واقع باشد؛ در سنجش او، علت جاذبه فیلم‌های ژاپنی، مطابقت با واقع بود، و فیلمی با بازی‌های خوب و فضاسازی خوب اما فیلم‌نامه دروغ و بی‌معنا، در نهایت «بیمزه» تمام می‌شود. سوم، اخلاق: چهارگانه شهوت و خشونت و ابتذال و استحاله هویت. چهارم، هویت: سینمایی که ارزش ملی را در احساس استقلال فرهنگی یک ملت جست‌وجو می‌کند تعریفی که ایشان در دیدار ۱۳۸۵ دادند و افزودند که با شنیدن ارزش ملی، نباید فوراً ذهن به سمت چهارشنبه‌سوری برود. پنجم، امید: روایتِ غلبه خیر بر زشتی. ششم، استقلال معیار: ارزیابی اثر با ملاک ملی، نه سکوی جایزه بیگانه.

بر این اساس، می‌توان گفت: در این اندیشه، سینمای متعالی سینمایی است که در همه این شش ضلع هم‌زمان بایستد؛ نه صرفاً فیلمِ به اصطلاح مذهبی، نه صرفاً اثر فستیوالی، نه صرفاً پُرفروش. هر یک از این شش ضلع بدون بقیه، در خودِ بیانات ایشان به‌عنوان نقص شمرده شده است: فنیِ بی‌اخلاق، اخلاقیِ بی‌جاذبه، هویتیِ درجه‌سه، زیبایِ دروغ، امیدِ بی‌حقیقت و مبتکرِ وابسته. سینمای متعالی در این بازسازی، مرزِ مشترک هر شش خطا است.

افق تمدنی؛ و آنچه امروز معنا دارد

در آذر ۱۳۹۲، در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، منطق نهائی این نگاه به سینما آشکار شد. ایشان در آن زمان از سینما به‌عنوان حلقه یک زنجیره فرهنگی سخن گفتند فیلم، شخصیت، عروسک، بازی رایانه‌ای، بازار و این زنجیره را به افقی بزرگ‌تر گره زدند:

«ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود.»

ـ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۱۳۹۲

در این افق، سینما پایانِ کار نیست؛ آغاز یک صنعت فرهنگی است که ذهنیت نسل‌ها را می‌سازد و به دنیا هم عرضه می‌کند. همین منطق، پیرامون علاقه ایشان به روایت دفاع مقدس هم در خرداد ۱۳۸۵ آن را از زاویه زیبایی‌شناسی طرح کردند:

«شما به عنوان کسی که دنبال زیبایی‌ها می‌گردید، چطور می‌توانید زیبایی‌های دفاع هشت ساله یک ملتِ دست خالی را از میهن خودش، از کشور خودش، از ملت خودش و از نظام خودش، در آن میدان دشوار نادیده بگیرید.»

- بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۲۳ خرداد ۱۳۸۵ و در خرداد ۱۳۹۳، افقی پنجاه‌ساله دادند:

«به‌نظر من، ما پنجاه‌سال دیگر هم بایستی درباره دفاع مقدس بنویسیم، بگوییم، توصیف کنیم، تشریح کنیم، انواع و اقسام هنرها را به خدمت بگیریم، برای اینکه این حادثه عظیم را تبیین کنیم.»

- بیانات در دیدار عوامل تولید فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳»، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳

ایشان در همین دیدار یادآور شدند که غرب صد سال است درباره جنگ‌هایش فیلم می‌سازد و در ایران، عده‌ای با ورود سینما به مسائل دفاع مقدس علناً مخالفت می‌کنند؛ به اسم اینکه جنگ است، به اسم اینکه خشونت است. ظرفیت عظیم سینمای ایران، به تعبیر امام شهید، هنوز با ظرفیت عظیم دفاع مقدس «التقاء» درست پیدا نکرده است.

قراردادی دوسویه با یک رسانه

بازخوانی بیانات امام شهید در حوزه سینما، آن را رساترین بیانِ شناخته‌شده معرفی می‌شود، کلید پیشرفت کشور خوانده شده و سرمایه‌گذاری روی آن، سفارشِ مستقیم و مکرر بوده است. فیلم خنثا و بی‌پیام ممنوع اعلام شده، نومیدی‌آفرینی خطِ قرمز است، ذائقه رقیب باید با ذائقه بومی پاسخ بگیرد، جایزه بیگانه ملاک نیست و اکتفا به کیفیت پایین، خیانت به قریحه شمرده می‌شود.

بایدها و نبایدها در این نگاه، دو فهرستِ جدا نیستند؛ دو روی یک سکه قرار دارند: هرچه اثر رساتر است، مسئولیتش سنگین‌تر؛ و هرچه مسئولیت سنگین‌تر، حمایتِ نهاد جدی‌تر. هنرمند در این چارچوب پیش از هر چیز انسان است و انسان، مسئول؛ اما مسئولیتش با شعار دادن نیست، بلکه با کیفیت کار سنجیده می‌شود، و آزادی‌اش با رحمتِ مدیر نیست، که با قراردادِ اخلاقی‌ای که خود پذیرفته است.

این قرارداد، آزمون‌های تاریخی‌اش را هم از سر گذرانده است: دفاع از فیلمی که برچسب ضدارزش خورده بود، و پاسخی که به گلایه طنزنویسان داد، همان‌قدر بخشی از این میراث‌اند که ممنوعیت فیلمِ بی‌پیام.

جمله خرداد ۱۳۸۵ همچنان سرِ صحبت است: کلید پیشرفت، به میزان زیادی، دست سینماگران است. بازخوانی بیانات امام شهید نشان داد که برای صاحب این جمله، هیچ ک از دو گزینه «سینمای درجه‌سه مذهبی» و «سینمای درجه کِ بی‌پیام» قابل‌قبول نبوده است؛ و شاید دقیق‌ترین خلاصه سی‌وهفت سال بحث، همین باشد: سینمایی که هم درجه ک باشد و هم حامل حقیقتِ یک ملت و ایشان معتقد بودند که چنین سینمایی، ساخته‌شدنی است، چون ماده خام آن، در همین سرزمین، فراوان است.





